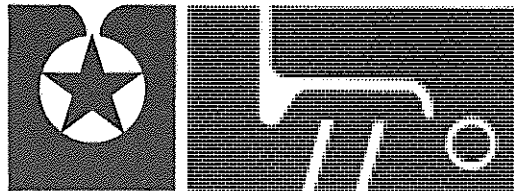


شماره ۸
فوریہ ۱۹۸۳
بہمن ۱۳۶۱



ویژہ قیام و سیماہ کل

اتحاد
مبارزه، پیروزی



نشریه دانشجویان و ادوار سازمان چریکهای خلق ایران در خارج از کشور

نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
و پایگاه داخلی

صفحه ۴۸

فهریه ۱۹۸۳
بهمن ۱۳۶۱

سال دوم شماره ۸ ویژه قیام و سیاهکل

بهمن سرخترین ماه جنبش خلق مبارک باد سالگرد قیام پرشکوه خلقهای ایران و رستاخیز سرخ سیاهکل گرامی باد

صفحات ۱۹ تا ۲۹



سرمقاله

فضای باز سیاسی امامانه
پیام ۸ ماده ای خشنی

در ۲۲ آذر ماه خمینی فرمائی در ۸ ماده به
مسئولین قضا ئی و انتظامی و اجرائی رژیم
ما در کرد. بلا فاصله بعد از انتشار آن تمام
دستگاه های تبلیغاتی رژیم بکار افتاد تا
"امت مسلمان" را از "احکام جدید الله" با
خبر سازند. سردمداران رژیم هر يك بنا به
فراخور حال و توان خود طی مباحثه مسا و
مقالات و تفسیرها و خایه های نماز جمعه به
شرح و بسط تفایع نظری و عملی پیام "مهم"
امام پرداختند. اما گذشته از تمام
تبلیغات رژیم پیرامون فرامین اخیرا مام
بقیه در صفحه ۲

اشغال دفتر هواپیمائی ایران در بمبئی

در چهارم دسامبر آخرین روزهای آسایشی دفتر هواپیمائی ایران
در بمبئی به مناسبت اعتراض به جنایات روزمره رژیم خونخوار جمهوری اسلامی
به تصرف دانشجویان مبارزه داران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
درمقدار آمد. ظرف چند دقیقه تمام بساط ارتجاع بهم ریخت و دیوارها ملو
از شعارهای انقلابی و صد رژیم عد و آکسیون ما باقی برنا مه تعیین شده
پرتاب و در صفحه ۳۳

برگزاری پلنوم وسیع
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
در صفحه ۴

در این شماره:

- سالگرد شهادت شاهرخ میثاقی
- اخبار ایران و جهان
- هواداران مجاهدین
- نظر یکی از مسئولین نفت
- انتایج مبارزه خلخال
- شورش در میامی

دیدگاهها:

آنتونیو گرامشی
در صفحه ۱۳
تجربه شوراهای کارخانه در ایتالیا

آمریکا و سران جمهوری اسلامی
در مقطع قیام بهمن ۵۷
خاطرات ویلیام سولیوان سفیر سابق بق آمریکا در ایران
در صفحه ۳۶

توطئه آمریکا
علیه نیکاراگوئه
"خلیج خوکها" تکرار میشود؟
در صفحه ۱۰

پس نمایشگر دو زندان
(زنان در زندان سنن)
در صفحه ۱۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

فضای باز سیاسی امامانه

بقیه از صفحه ۱
باید دید که علف اصلی از این مانور چیست؟ از چه نفع گرفته است؟ منافعی و خواسته‌ای چه افشاری را تأمین میکند و بالاخره چه نتایجی بدنبال خواهد داشت؟ زمینه‌هایی که مانور جدید را می‌آفرینند

رژیم طرف چند سال گذشته بخصوص ۱/۵ سال اخیر چنان خود را متزلزل یافت که چاره‌ای جز تشدید فشار همه جانبه بر روی توده‌ها و بخصوص نیروهای انقلابی ندید. به اعتراف رفسنجانی "یک وقت انسان خشونت میکند برای اینکه پایه حکومت لرزان است" (روزنامه جمهوری اسلامی - ۲۷ آذر ۶۱). دامنه سرکوب و ترور و خفقان تا بدانجا گسترده شد که نه تنها آزادی‌های سیاسی، که اثری از آزادی‌های فردی و حقوق مدنی نیز باقی نماند. خانه و محل کار مردم عرصه تاخت و تاز اراذل و اوپاش کمیته‌ها و پاسداران چهل و سرمایه شده و کوچکترین حرکات، افکار، عقاید و زندگی خصوصی مردم زیر شدیدترین تجسس‌ها و تفتیش‌ها قرار گرفت بطوریکه مثلاً زن و شوهر بدون همراه داشتن قبالة ازدواج تأمین جانی برای خروج از خانه نداشتند. برای حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر شهر چندین بار اتوموبیل شخصی افراد متوقف شده، مورد بازرسی قرار میگرفت. خمینی فتوا داد که هر کسی همسایه خود را کنترل کرده و علیه همدیگر جاسوسی کنند تا بدین ترتیب - "سازمان اطلاعات ۳۶ میلیونی" بوجود آورند. از طرف دیگر چند پارچگی موجود در درون حاکمیت و حکومت شبیه ملوک الطوائفی هر آخوند شهر و محله، زمینه گسترش "بسی نظمی و هرج و مرج" در امر سرکوب را تا بدانجا کفاند که نه تنها زحمتکشان و سازمانهای سیاسی، بلکه اقشار مرفه و "مردم عادی" جامعه نیز فاقد حداقل آزادی و امنیت قانونی و اقتصادی و اجتماعی گشته.

اند و هر روز ناراضی و تنفر و انزجار آنها از حکومت سرنیزه و خفقان عمق - بیشتری یافته است. اعدام روزانه دهانفر به زیر بند و شکنجه کشیدن دهها هزار مبارز و انقلابی حتی خون کشیدن از زندانیان سیاسی با فتوای مستقیم خمینی، چهار سال بمباران و سرکوب خلق زحمتکش کرده، بستن دانشگاه و کشتار دانشجویان، سرکوب علم و هنر و فرهنگ انقلابی و مترقی، به بند کشیدن قلم و بیان و ... آیا برای سرکوب توده‌ها و به شکست کشاندن انقلاب دیگر حرکتی و تاکتیکی باقی مانده بود که رژیم بدان - دست نیازیده باشد؟ اما حداقل بخشی از سردمداران رژیم با تمام کودنی و عقب ماندگی تاریخی شان بالاخره متوجه این - واقعیت شده‌اند که روی سرنیزه نمیتوان - نشست و گسترش سرکوب و اعدام و زندان و شکنجه نمیتواند حکومتی با ثبات فراهم آورد. از این گذشته دیگر جانی برای فشار بیشتر بر توده‌ها باقی نمانده است. در عین حال میزان و نحوه شرکت مردم در انتخابات مجلس خبرگان و به مسخره گرفتن آن از طرف مردم، مثل رای دادن بنام "عسر" و "یزید" و غیره نیز زنگهای خطر را بیشتر از پیش در گوشه‌های سنگین سران جمهوری اسلامی بصد درآورد. ارتجاع دریافته است که حاکم بودن جو پلیسی مداوم، نه تنها انقلابیون که دامن اقشار دیگر جامعه و تمامی ارکان سیستم را نیز میگیرد. در این جو ناامنی و کنترل قرون وسطایی، حتی سرمایه داران نیز زمینه اجتماعی و فرهنگی لازم را برای سرمایه گذاری و زیست خود نمی‌یابند و بوروکرات‌ها و تکنوکرات‌هایی که وجودشان لازمه بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته است رغبتی به همکاری و زیست در زیر سایه سرنیزه پاسدار و حاکم شرع نشان نمیدهند. سرمایه داران در شرایطی که بحران - سیاسی تا اعماق جامعه نفوذ کرده و حاکمیت سیاسی را کاملاً در تزلزل نگه داشته است حاضر به ریسک نخواهند شد و از طرف دیگر

صلت علیقاتی و سونجویانه آنها را و میدارد که سرمایه‌های خود را در پرسودترین و کم خطرترین بخش اقتصاد بکار اندازد. این بخش یعنی بخش تجارت و توزیع خود از جانب سران رژیم حمایت شد. بنا بر این اقتصاد بیمار جامعه با تضعیف هرچه بیشتر بخش تولید، بخش توزیع سود آورتری یافت. بخشی از سران رژیم بارها و بارها از سرمایه داران خواستند که برای بقای - حاکمیت جمهوری اسلامی سرمایه‌های خود را به بخش تولید منتقل کنند، لیک سرمایه معیاری جز سود نمی‌شناخت. شناخت غریزی سرمایه داران از وضعیت بحرانی مغایر با درخواست سران رژیم بود. آنها از یک طرف صدای انقلاب را همواره شنیده و می‌فروند و از طرف دیگر سلطه ضوابط و فرهنگ قرون وسطائی فضای اجتماعی لازم برای بازتولید سرمایه و فرهنگ بورژوازی را تنگ و محدود کرده است. آنها بطور طبیعی سرمایه را در بخشی بکار می‌اندازند که در صر ریسک آن به مراتب پائین تر باشد و هم سود بیشتری را برای آنها فراهم کند و هم بسا روینا و فرهنگ غالب همخوانی داشته باشد. زیرا با تمرکز دادن سرمایه در بخش تجارت آنها اولاً با کارگران و مزاحمت‌هایشان روبرو نیستند، ثانیاً به محض نزدیک شدن خطر، یعنی وقوع انقلاب، قادرند مثل اسلافشان با استفاده از کانال‌های نفوذی خود در حکومت سرمایه را به خارج منتقل کنند و ثالثاً با موازین و ضوابط قرآن و تجارت و سرمایه‌داری به سبک اسلامی در تضاد آشکار قرار نگیرند.

تمرکز سرمایه در بخش واردات و توزیع همراه با کمبود وسایل معیشت و بیکاری مزمن و وسیع و انحطاط سیاسی است اندر - کاران رژیم زمینه را برای ایجاد بازار سیاه کاملاً مساعد کرده، بطوریکه طی سال گذشته چند میلیون نفر بیکار از طریق همین بازار سیاه گذران "زندگی" کرده‌اند



”فضای باز سیاسی“ امامانہ

بقیه از صفحه ۲

و سیاست باج گیری رژیم نیز به این حرکت
بیمارگونه سرعت و وسعت بیشتری بخشیده
است.

خلاصه کنیم: تداوم بحران عسقیق اقتصادی، تداوم نارغایتی و فرارمختصین و تکنوکراتها، تداوم و گسترش نارغایتی و بی اعتمادی و اعتراضات توده‌های مردم علیه سیاست‌های واردآمده بریکر سازمان‌های پیشرو، کاهش نسبی وحشت جنون آسای رژیم از نیروهای انقلابی که بدلیل ضربات وارده و پراکندگی موجود فعلاً تهدید بلافاصله علیه رژیم بشمار نمی‌آید؛ عدم رغبت و اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری؛ بی‌آبرویی و افشای چهره رژیم در سطح بین‌المللی به مثابه رژیم قرون وسطائی و جنایتکار؛ تداوم بن‌بست رژیم در جنگ ویرانگر با عراق و بدنبال اینها تحولات جدید در زمینه تضادهای درونی حاکمیت و تکوین "ائتلاف جدید" ...

همه و همه عوامل اقتصادی - سیاسی و اجتماعی هستند که زمینه ساز پیام اخیر خمینی - میشوند. ما خمینی این بار نیز برای پنهان داشتن انگیزه های اصلی و توجیه فرامین جدید خود " جان نشین نمودن احکام الهی در نظام جمهوری اسلامی بجای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق " را مستحک قرار داد. گوشه به حکم الهی که البته به خمینی وحی میشود یک روز مثلاً جاسوسی عین دیانت و مسلمانی است و روز دیگر " تجس و دنبال اسرار مردم بودن و افشاء گناهان دیگران نمودن و یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری بنام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کردن " از گناهان بزرگ شمرده شده مستحق تعزیر شرعی" میشود.

حال ببینیم در صورتیکه پیام ۸ ماده‌ای
معمینی و چند فرمان بعد از آنرا مانده
تحلل ادارات گیرند، چنانکه رفسنجانی

اعلام کرده است " فصل جدیدی در حرکت رژیم و تلافی در جهت اجرای یکسری رفرم بدانیم، این رفرم چه ارتباطی با تضامی درونی حاکمیت دارد و اگر به اجرا درآید در خدمت خواستها و منافع کدام اقتار جامعه قرار میگیرد و اساساً تا چه حد امکان تحقق داشته و کدام نتایج را بدنبال خواهد داشت .

رفرم موعود و تضاهای درونی رژیم

پس از طرد جناح لیبرالی بنی صدر از حکومت بنظر میرسد که حاکمیت از همانسی نسبی برخوردار عده است . ولی از آنجا -
تیکه بحران جامعه نه در وجود بنی صدرها بلکه يك بحران عمیق اقتصادی و سیاسی ریشه دار است و تاکنون نتایج خود را در
تضاد دو صف انقلاب و ضد انقلاب متبلور ساخته و با اینگونه تصفیه های درون طبقاتی حل نمیشود
بنابراین طبیعی بود که پس از اندک مدتی تضاد جدیدی در درون حاکمیت جایگزین تضاد
حل شده قبلی گردد . در ابتدا ابعاد مختلف این تضاد روشن نبود ولی کم کم شکل واضح -
تری بخود گرفته ابتدا گروه بندی های درون حاکمیت بصورت تضاد بین جناح " خط امام " و
" حجتیه " شکل گرفت . با ادامه آن کم کم بخشی از " حجتیه " با بکارگیری سیاستهای
متمركز تر در " ائتلاف جدید " متمرکز در کسب مینه رژیم در مقابل اکثریت مجلس -
شینان قوام گرفت . " ائتلاف جدید " با برنامه ای کاملاً احزاب شده نسبت به جناح
مقابل سعی کرده است در يك پروسه آرام و بدون درگیری های انعکاسی نسبت به رقیب
با آنها را در خود ادغام و یا ایزوله نماید در عین حال سعی کرده است که جریان مقابل
را در عمل قانع سازد که با تجدید نظر در گم های مذهبی و سنتی واقعیت عینی و
پایانین حاکم بر روابط سرمایه داری را -

بپذیرد. (برای مطالعه دقیق و جامع تر
جفاح بندی‌های درون حاکمیت و رشد تضاد
درونی آن به مقاله "بن بست قدرت" کار

رگان-سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران
شماره‌های ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، و ۱۰۹ مراجعه
نمائید)

تمام کوشش "ائتلاف جدید" برآن بوده است که از نظر سیاسی تمام نهادهای خودروی بعد از قیام بهمن ۵۷ مثل سپاه، کمیته ها، جهاد سازندگی، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفین را ملی بروسه حساب شده‌ای بزیمر کنترل دولت یعنی نهادهای که خود برآن تسلط دارد، درآورد. امری که لیبرال ها چه زمان نخست وزیری بازرگان و چه زمان رئیس جمهوری بنی صدر کوشیدند بدان دست یابند لیکن موفق نشدند. البته این سیاست برآن است که شکل مذهبی حکومت را حفظ کند. در زمینه اقتصاد تلاش "ائتلاف جدید" برآن است که با حمایت دولت، سرمایه های خصوصی بزرگ و متوسط تقویت شده و با کمک کدوره های امپریالیستی حتی امکان به بخش تولید کالای مزه شوند و اقتصاد از وضع شکننده بودن مغرطی نجات یابد. از طرف دیگر تلاش این جناح آنست که "دوران انقلابی" را پایان یافته اعلام نموده جامعه را به "آرامش" کفاند. این است که همواره سعی دارد تمام نهادهای وابسته به حاکمیت را که خود به بحران دامن زده و آنا را شی باز تولید میکنند تا جر بتر آن به حیات خود ادامه دهند در نهادهای باصلاح قانونی و با حفظ سلسله مراتب ضروری آنها هدایت کند. امری که از جانب قدرتمندان درون این گونه نهادهای مثل "دادگاه انقلاب" یا "مخالفت روبرو شده است. جناح مخالف "ائتلاف جدید" و سیاست آنها سعی دارد که تحت نام مبارزه با "لیبرالیسم اقتصادی" (یعنی سیاستی که خواهان عدم مداخله دولت در حرکت سرمایه میباشد) و قریب به ساختن آنها با لیبرالها، مانع از رشد آنها گردد. این جناح ("خط امام") همواره از خرده بورژوازی سنتی ارتجاعی هرج و مرج طلب و بحران زا مدد می جوید تا مانع از

بقیه در صفحه ۴۴

افت کیفیت آموزشی

وزیر آموزش و پرورش رژیم جمهوری اسلامی اعتراف میکند که کیفیت آموزشی افت کرده است.

علی اکبر پرورش در مجلس شورای اسلامی رژیم مورد مواخذه نمایندگان مجلس قرار گرفت. وی ضمن پاسخ به نمایندگان مجلس رژیم اعلام نمود که بدلیل مشکل نیروی انسانی، کمبود تجربه کافی معلمین جدید و حضور فعال دانش آموزان در جبهه های جنگ تحمیلی کیفیت آموزشی در مدارس افت کرده است. (اطلاعات شنبه ۴ دیماه ۱۳۶۱).
دلایلی که وزیر آموزش و پرورش رژیم ارائه داده که منجر به افت کیفیت آموزشی شده است کاملاً در ارتباط با سیاستهای ارتجاعی رژیم قرار دارد. وزیر آموزش و پرورش خمینی ۳ عامل را در افت کیفیت آموزشی دخیل دانسته است که خود رژیم بوجود آورنده این عوامل بوده است. سه عامل از دید وی به ترتیب عبارتند از: ۱- مشکل نیروی انسانی، ۲- کمبود تجربه کافی معلمین جدید و ۳- اعزام دانش آموزان به جبهه جنگ.

پرورش، زمانی از مشکل نیروی انسانی صحبت میکند که ده ها هزار نفر از معلمین مترقی و انقلابی بدنبال اعمال سیاست ارتجاعی رژیم مثل تصفیه های فرقه‌ای، امتحان ایدئولوژی یا داشتن سابقه مبارزاتی و فعالیت‌های سیاسی و غیره اخراج شده‌اند و یا ده ها هزار نفر از جوانان دانشجوی و فارغ التحصیلان دانشگاه ها که توان آموزشی دارند به مدت ۴ سال است که بیکار و سرگردانند. بنا بر این مشکل نیروی انسانی دقیقاً ناشی از سیاست ارتجاعی بکار گرفته شده خود رژیم است. دومین مشکل به زعم پرورش، بکارگماردن باصلاح معلمین کم تجربه و جدید است. نویسنده است که وقتی معیار انتخاب معلم یا مدیر

برگزاری پلنوم وسیع سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

و "اکثریت" در صف بندی سیاسی لحظه کنونی در موضع خدا انقلاب قرار نگرفته‌اند، لذا پلنوم سازمان تصریح میکند که حزب توده و "اکثریت" بنا به مصوبات کنفرانس در صف بندی سیاسی موجود، در صف خدا انقلاب قرار دارند.

از آنجا که متن کامل اطلاعیه مذکور و گزارش پلنوم درست نبود، چاپ آنرا به شماره آینده "جهان" موکول میکنیم.

هیئت تحریریه "جهان" ضمن ابراز مراتب همدانی خود از برگزاری موفقیت آمیز این پلنوم، معتقد است که بی شک اینگونه نشست‌ها و موفقیت‌های رفقای فدائی در اوج خفتان، سرکوب و پیگردهای همه جانبه انقلاب بیون توسط عمال رژیم، مبت محکمی است بر بوزه ارتجاع و تمامی خدا انقلابیون!

در آخرین ساعاتی که "جهان" به زیر چاپ میرفت، طی تماس تلفنی اطلاع یافتیم که اخیراً سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران پلنوم وسیعی را در ایران برگزار کرده است. برطبق اطلاعیه تشکیلات خارج از کشور سازمان این پلنوم با شرکت مرکزیت، مشاورین و مسئولین بخش‌های مختلف تشکیلاتی سازمان و با موفقیت کامل برگزار شده، دست آوردهائی نیز به همراه داشته است.

از جمله نکات طرح شده در این پلنوم نارسائیهایی مربوط به قطعنامه گذرگاه درباره شیوه برخورد به احزاب و سازمانهای سیاسی بوده است. در این اطلاعیه آمده است ما از آنجا که شیکه در قطعنامه گذرگاه سازمانی در باره شیوه برخورد به احزاب و سازمانهای سیاسی، این ابهام برای برخی از رفقا و هواداران سازمان بوجود آمده بود که گویا حزب توده

مدرسه و رئیس منطقه یا شهرستان و استان نه عایستگی علمی و لیاقت و کاردانی و سابقه مبارزاتی آنها بلکه رابطه‌های خویشاوندی و دوستی و یا داشتن تمایلات هیستریک ضد انقلابی باشد نتیجه‌ای جز این ممکن نیست. بارها دیده شده است که افراد بسیار کم سن و سال و بی تجربه و بی سواد را به صرف اینکه خواهر یا برادر یا فرزند فلان دست‌اندر کار رژیم است و یا دارای خصلت‌های ضد انقلابی فالانتری گری است به مدیریت این مدرسه و آن مدرسه و این منطقه و آن شهر گمارده‌اند. بنا بر این نتایج حاصل از این سیاست احمقانه و ارتجاعی چیزی جز پائین آمدن کیفیت آموزشی و از هم باغیدن سیستم آموزشی نیست.

سومین عاملی که آقای وزیر ذکر کرده

است اعزام دانش آموزان به جبهه‌های جنگ است. با زهم روشن است که وقتی رژیم حتی کودکان ۱۲ تا ۱۴ ساله را به جبهه میفرستد تا از آنها بعنوان گوشت دم تانک استفاده کند نباید انتظار داشت که مدارس نیز هدف آموزش دانش آموزان را دنبال کنند. زمانیکه معیار ارزش‌های برای دانش آموزان نه دانش و یادگیری و سهم آنها در زندگی جامعه باشد بلکه ارتباط و عضویت آنها در انجمن اسلامی مدارس باشد و زمانیکه رژیم از ضعف تشخیص کودکان کم سن و سال سو استفاده کرده آنها را برای شرکت در جنگ تحریک میکند و از احساسات ماجراجویانه و تمایلات شکل‌نگرفته مذهبی آنها سو استفاده میکند نتایجی جز این ببار نخواهد آمد.

طبیعی است که سیستم آموزشی رژیم از



معرفی چهره‌های ادب و هنر مرفقی

بقیه از صفحه ۴۷

واقعی و زمان روی پرده باشد. وی میدید که از طریق نماهای فیلم میتواند ترکیب زمان واقعی را بکلی بهم بزند.

در فیلم "پوتمکین" ملاح جوانی که افسری او را کدک زده است و بعلمت ناچیزی جیره اش از گرسنگی تلف میشود و در نهار خوری بران مغفول ظرف شوئی است بشقابی بدستش میرسد که روی آن نوشته اند: "خدایا روزی ما را برسان". سرباز ناگهان چنان خشمگین میشود که بشقاب را به زمین میکوبد و خرد میکند. شکستن يك بشقاب - برداشتن و به زمین کوبیدن آن - در واقع يك لحظه بیشتر طول نمیکشد ولی این لحظه چه از نظر قهرمان داستان و چه از نظر جریان کلی فیلم لحظه بسیار مهمی است و نخستین تظاهر انقلابی است که سپس همه جا شویان کشتی را فرا میگيرد آیزنشتاین بجای اینکه این حرکت را در يك نما و از يك زاویه برداشته که در آن صورت حرکت با زمان واقعی نشان داده - میشد همین حرکت را از چند زاویه گوناگون برداشت و سپس آنها را برید و بهم پیوند داد. نتیجه عبارت بود از - تاکید حرکت به وسیله رگباری از نماهای گوناگون و تعدید زمانی که این حرکت در آن انجام گرفته بود.

آیزنشتاین فقط در همین فصل درخشان فیلم "پوتمکین" کتاب کاملی برای راهنمایی کارگردانان فیلم پدید آورده و نمایش حقیقتا زبردستانه ای از اسلوب "برش" دو واقع به موازات یکدیگر دست داده است و نمونه های درخشانی از بازی هنرپیشگان و استفاده از عیوه "تکان" نشان داده است. بعدها هنگامی که آیزنشتاین درباره نظریات سینمایی خود سخنرانی میکرد، کلمه "فرانسوی" "مونتاژ" را که به معنی "سوار

کردن" یا "پیوند کردن" است برای توضیح روش خود بکار میبرد. ولی از هنگامی که "پوتمکین" و "ده روزی که دنیا را تکان داد" پرده های سینماهای دنیا ی غرب را فرا گرفت و در میان فیلمسازان و منتقدین طوفان برپا کرد، دیگر کلمه "مونتاژ" در مورد هر نوع برشی بکار نرفت بلکه به معنی خاص برش تند و تکان نهندای که آیزنشتاین در فیلم خود بکار میبرد استعمال شد. استفاده از این کلمه تا به امروز نیز نزد سینماگران متداول است بنظر میآید که کنایه و استعاره سینمایی بین از هر چیز هنگام ساختن فیلم "اکتبر" نظر آیزنشتاین را بخود جلب کرده است، ما موریت ساختن این فیلم را بمناسبت دهمین سال انقلاب ۱۹۱۷ به آیزنشتاین داده شده بوده تمام وقایع مهیج بین بازگفت پنهانی لنین از تبعید تا به روی کار آمدن بلشویکها را نشان میدهد. چنانکه آیزنشتاین در نظر داشت، این فیلم میبایست فعالیت جبهه های مختلف را شامل شود، مانند جلسات دولت کرنسکی و حوزه های پرشور بلشویکها و جبهه جنگ و محله های کارگران میبایست همه اینها درهم بجوشند و در آخرین حمله قطعی به کاخ زمستانی تزار به نقطه بحرانی برسند.

در اینجا نیز موضوع فیلم آیزنشتاین وسیع تر از آن بود که بتوان آن را در يك فیلم داستانی عادی پروراند. در این فیلم حتی بیش از "پوتمکین" آیزنشتاین ملزم بود که عناصر و وقایع گوناگون يك دوره را به صورت تصاویر تند و گذرا خلاصه کند.

آیزنشتاین این مشکل خود را با سبیل های سینمایی دقیق و بیش از حد ظریف حل کرده بدین ترتیب که مثلا استبداد کرنسکی را در نمایی که کرنسکی را با قیافه ای

بسیار جدی و گرفته هنگام بالا رفتن از بلکان کاخ زمستانی نشان میدهد هجو میکند سرداران و دولتیان چابکوس به او تعظیم میکنند و درود میگویند. کرنسکی تنگ بلوری را به آهستگی و ظرافت پیش میکشد و با دقت فراوان تاجی بر سر آن میگذارد. همچنین به مجسمه مرمری که لسترا را بسا يك خلقه گل طلایی دراز کرده، خیره میشود. این صحنه های کنایه ای است از جاه البسی های ناپلشونی کرنسکی. جنبه تشریفاتی محافل ضد انقلاب با درهای سنگین و مزین که آهسته بازو بسته میگردند نشان داده میشود و جوش و خروش بلشویکها با مکرر بهم خوردن در شکسته ساختمان حزب نمایانده میشود. نمایش جزئیات نمونها ای از کسل وسیله ای است که بمنظور خلاصه کردن وقایع مکرر بکار میرود. در اینجا نقش مهم ادوارد تیس (Edvard Tisse) فیلم - برداری که با آیزنشتاین همکاری میکرد نیز قابل توجه است. مهارت او در تاکید لازم بر روی این صحنه ها به معنی و تاثیر هر يك از آنها بر روی بیننده میافزاید. زنان و مردان را می بینیم که توپی را - میکشند و آساده آتی میکنند. دوربین کج میشود تا شواری کشیدن توپ را برساند. و سرانجام در پایان، حمله به کاخ - زمستانی و پیروزی بلشویکها فیلم خاتمه می یابد.

(دنباله دارد)

افت کیفیت آموزشی

سایر بخشهای آن جدانیت، مرکزیت کشاورزی، صنعت، هنر ادبیات، علم، ورزش، فرهنگ، دانشگاه و غیره نزول نیافته است؟ پس در ارتباط با کیفیت نشئون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی جامعه، طبیعی است که نهاد آموزش نیز نزول یابد. راه چاره برای جلوگیری از سقوط سیستم آموزشی نه انتقاد این مهره مجلس از آن مهره کابینه، که هردو از يك قاشقند، بلکه نابودی کلسیستم حاکم و استقرار نظامی مردمی است.

✽ ✽ ✽

فضای باز سیاسی "امامانه"

بقیه از صفحه ۴۵

امروز رژیم جمهوری اسلامی از فـسـرط ناتوانی و ناچاری متوسل به "رفرم" شده است. اما از قبل پیداست که سیاست سرکوب همه جانبه و وحشیانه رژیم با چند رفرم مشروط تغییری نخواهد کرد. مشکل رژیم بسیار اساسی تر از آن است که بتوان با کاهش توحش، آنرا حل نمود. جامعه ایران تنها با یک دگرگونی بنیادین میتواند از

بحران اقتصادی و سیاسی فعلی بدرآید و اولین شرط این دگرگونی سرنگونی قهرآمیز رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. بارها گفته شده است که رژیم قادر نخواهد بود سرکوب را در ابعاد گسترده آن برای همیشه ادامه دهد. او در مواجهه با بن بست ناچار خواهد شد که دست به مانورهای جدیدی بزند. زمانهای انقلابی با آگاهی از اهداف مانور رژیم بی شک قادر

خواهند شد که با استفاده بجا و مناسب از آن بدون آنکه توهمی نسبت به رژیم پیدا کنند به شدت مبارزه بیفزایند و از هر افغانی که به رژیم تحمیل شود بنبغ اباد انقلاب شود جویند و میر سرنگونی قهری رژیم و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق را که تنها راه رهایی کارگران و زحمتکشان ایران از جنگال حکومت چهل و تباهی کنونی و رسیدن به سوسیالیسم است را هموار سازند.

توطئه امریکا علیه نیکاراگوئه...

بقیه از صفحه ۱۰



"کمیتة مادران ساندینیستها" در تظاهرات خود (۱۲ دسامبر ۱۹۸۲) مسبب جنایت مربوط به کشتار ۷۵ کودک در سقوط هلی کوپتر، یعنی امریالیسم آمریکا را محکوم میکند.

سیاسی و نهایتاً سقوط دولت فعلی را فراهم نماید و از سوی دیگر مانع هرگونه حمایت نیکاراگوئه از گسترش انقلاب در منطقه بخصوص در کشورهای السالوادور و گواتمالا گردد. اما بی شک خلق قهرمان نیکاراگوئه با وجود فشارها و مشکلات موجود اقتصادی و نظامی خواهند توانست تحت رهبری نیروهای پیشرو پرولتری و با پشتیبانی نیروهای انقلابی و مترقی بر سنگ اندازیها و توطئه های امریالیسم فائق آیند و جمهوری توده ای جوان خود را از چنگال استبدادی امریالیسم رها نموده مسیر ترقی و تکامل به سوسیالیسم را با تمام سختی هایش طی خواهند کرد.

توطئه های دولت ریگان شده است. بخصوص با سفر اخیر ریگان و به دنبال او غارون وزیر دفاع اسرائیل، تصاحب فلسطین، به هندوراس، دخالت وسیع تر دولت هندوراس به عنوان کارگزار طرح ها و توطئه های آمریکا علیه نیکاراگوئه تشدید و تقویت شده است. دولت ریگان تلاش دارد با اعمال فشارها و اقتصادی و نظامی مداوم بر روی ساندینیستا و دولت انقلابی نیکاراگوئه و تقویت جناح های "میان رو" و بورژوازی داخلی، از سویی باعث تضعیف و انفراد خلوط انقلابی و پرولتری در رهبری کنونی حکومت نیکاراگوئه شده اختلاقات داخلی حکومت نیکاراگوئه را تشدید و زمینه بحران

امریکا و...
بقیه از صفحه ۴۱
کرده بودند که میخواهند نیروهای مسلح حفظ شده و توان و یکپارچگی شان معنجان باقی بماند. ضمناً آنها بما گفتند که - تعداد زیادی از افسران ارشد مورد لعن آنها هستند. در همین دور مذاکرات و در مذاکراتی که با افسران ارشد داشتیم برایمان روشن شد که تعداد قابل ملاحظه ای از افسران ارشد در بخشهای مختلف - استراتژیک درون فرماندهی نظامی نه تنها نسبت به اهداف نهضت آزادی سمباتی داشتند بلکه با رهبران آن نیز منظمآ در تماس بودند. بنا براین نهضت آزادی آشکارا از گرایش ها و عملیات مقامات نظامی آگاه بود.

۲۲- براساس این اطلاعات، سرانجام لیستی بما داده شد که مرکب از بیش از یکصد افسر ارشد بود که انتظار میرفت از پست خود استعفا داده و بعد از رفتن شاه، مملکت را ترک کنند. بما گفتند دستگیری و انتقام جویی در کار نخواهد بود. حتی پیشنهاد شد که این افسران بتوانند ثروت و دارائی خویشان را نیز بدون مقاومت و بدون سرو صدا از کشور خارج کنند. گرچه هرگز بما گفته نشد که در سلسله مراتب نظامی چه کسی جای این افسران را بخواهد کرد ولی درک ما چنین بود که لیستی از افسرانی که برای اینکار در نظر گرفته شده بودند در دست رهبران نهضت آزادی است. ما به

ایران

نتایج مبارزه خلخال با شاعه مواد مخدر

۵) مطابق گزارش خبرگزاری آلمان غربی روز چهارشنبه ۱۲ ژانویه ۸۲ پلیس فرودگاه شهر دوسلدورف آلمان، صادق طباطبائی را به جرم حمل ۱/۶ کیلوگرم تریاک دستگیر نمود. وی با سپردن ۲۰۰ مارک برابر ۸۰ هزار دلار آزاد شد. طباطبائی در ماه نوامبر برای انجام یکسری مذاکرات با مقامات دولت آلمان از طرف رژیم خمینی وارد این کشور شد. طباطبائی از مقربین درگاه خمینی است. در مقطع پیروزی قیام ۵۷ همراه با دیگر غاصبین قدرت وارد ایران شد و به دلیل نزدیکی اش با خمینی در پست معاونت نخست وزیری (گویا سرپرست ساوا) نیز قرار گرفت. لو رفتن طباطبائی پرده از ادعای دروغین رژیم مبنی بر مبارزه با قاچاق مواد مخدر برمیدارد. قاچاق تریاک توسط یکی از مقامات رژیم زمانی اتفاق می افتد که تابحال دهها نفر بهمین جرم، تحت پوشش مبارزه با اعاده مواد مخدر زندانی و یا اعدام شده اند. لو رفتن طباطبائی یا تأور لو رفتن اشرف بهلولی و هویدا در فرار گاهای وین و فرانسه در سالهای حاکمیت بهلولی در ایران است. هر دو رژیم با دمیدن در بوق و کرنا مدعی مبارزه با قاچاق مواد مخدر بوده اند. دستگیری طباطبائی نمونه کوچکی است از آنچه سران رژیم مخفیانه مرتکب میشوند. چندماه قبل وزیر ارشاد رژیم خمینی در حالیکه سرگرم عیش و نوش و خوش گذرانی بود دستگیر و سپس از کاربرکنار شد. برکنی پوشیده نیست که رژیم بسیاری را نیز به جرم نوشیدن مشروبات الکلی و یا داشتن روابط نامشروع در ملا عام شلاق زده و یا زندانی و حتی اعدام کرده است. بنابراین عمل طباطبائی تصادفی نیست بلکه در رفتن او تصادفی است. با لو رفتن طباطبائی مردم مفهوم "مبارزه" با اشاعه مواد مخدر (ادعای رژیم) را بهتر درک میکنند.

بغنیبال پیام ۸ ماده ای خمینی روزنامه های رژیم اعلام کردند که ۶ تن از جانبان -
یم به " محکمه " احضار شدند. روزی نامه های رژیم نام این افراد را فاش نکردند -
ی مسئولیت ۵ تن از آنها را بشرح زیر اعلام نمودند: ۱- معاون اداری و مالی وزارت
ر ، ۲- مسئول سیاه پاسداران بوکان ، ۳- ناستان ایلام ، ۴- ناستان شهرباری ، -
ناستان قم - (روزنامه اطلاعات - ۵ دیماه ۶۶)

● حجت الاسلام برهانی معاون دایرہ استانی انقلاب اسلامی و نیزہ امور صنفی گفت :

" يك گرانفروشي كه بيش از ۲ ميليون و ۳۰۰ هزار تومان گرانفروشي داشت و در دادگاه مجرم شناخته شده، متاسفانه به عنوان مشاور خريد يكي از وزارتخانه ها بگمار گرفته شده." وي اضافه كرد " بايد به يك واقعيت اشاره بكنم و آن اينكه: عده‌اي از سرمايه داران ز الو صفت همچنان بكار خود ادامه مي‌دهند و متاسفانه بعضي از افراد مسئول هم از اين عوامل اصلي فساد اقتصادي حمايت مي‌كنند."

متن زیر ترجمه‌ای از یک روزنامه
آلمانی بنام (Suddeutsche Zeitung)
بتاریخ ۲۷ تا مبر ۸۲ است که نشان میدهد
یکی از کامیونهای حامل اتوموبیل‌های
ضد گلوله سفارش داده شده توسط رژیم
خمینی بطور تصادفی واژگون شده و گوشه‌ای
از بازار بنیان رژیم "مردمی" را عیان
ساخته است.

"بخواست الله اتفاق افتاد

با واژگون شدن ماشین باربری گسه
علت آن هنوز معلوم نیست ۸ ماشین مدرن
هر يك به قیمت ۱۲۰۰۰ مارك از هم -
پاشیده میشوند. این حادثه در اتوبان
زالس بورگ اتفاق می افتد که به راننده
یونانی صدمه ای جزئی وارد میشود
ماشینهای سواری با شیشه و بدنه ضد
گلوله مجهز به بلندگو و آژیر خطر بودند
که طبق همین خبر ماشینها جهت محافظت
رهبر انقلاب آیت اله خمینی سفارش داده -
شده و راننده آنها را از يك اتوبار ماشین
در اشتراس والن حمل کرده بود
بقیه در صفحه ۸

دنباله اخبار

با حاد شدن تضاد درون رژیم دزدان یکدیگر را لو میدهند

همکاری ضمنی موسوی اردبیلی و عسگر اولادی وزیر بازرگانی رژیم با رشوه گیران

حجت الاسلام عزیزیان حاکم شرع بیدادگاه انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی اعلام کرد :
" در عرض ۴ روز ۱۸۰ تن آهن را وارد بازار سیاه کرده اند " وی در توضیح این مطلب و رشوه گری معاملات بیشه و کره توسط وزارت بازرگانی اضافه کرد : " در رابطه با رسیدگی به این پرونده با آقای عسگر اولادی و آیت الله موسوی اردبیلی جلسه داشتیم و با وجودی که قرار شد این پرونده را ما رسیدگی کنیم ولی تاکنون از همکاری با ما در این زمینه دریغ شده است . و حتی وقتی برادران ما رفتند که آنها را جلب کنند گفتند برویست مزاحم نشوید آقایان دارند در رابطه با بودجه سازمان تصمیم گیری میکنند " (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۵ دی ۶۶)

رژیم جمهوری اسلامی مقام اول را احراز کرد

سازمان عفو بین المللی در گزارش سالانه خود، لیست رژیم‌هایی را که با اعمال شکنجه و حبس و اعدام و زیر پا گذاشتن اولیه ترین حقوق انسانها به نقض حقوق بشر پرداخته اند اعلام نمود . در این گزارش رژیم جمهوری اسلامی در راس رژیم‌هایی چون آرژانتین ، آفریقای جنوبی ، گواتمالا و السالوادور قرار دارد . براساس این گزارش ، در سال ۱۹۸۱ ، ۳۶۶۶ نفر در زندانهای جمهوری اسلامی اعدام شده اند که این تعداد $\frac{2}{3}$ کل اعدام‌هایی است که در سراسر جهان صورت گرفته است .
تعریف انقلاب اسلامی

آیت اله گیلانی حاکم شرع و رئیس بیدادگاه های انقلاب اسلامی مرکز تر پاسخ به این سؤال که تشکیلات نوین قضائی متناسب با جامعه چگونه است گفت :

" من خیال میکنم که تمام پاسخ از این سؤال بر محتوا در لغت انقلاب خوا پیوسته است . انقلاب یعنی برگشت . قرآن کریم هم انقلاب را به معنی بازگشت معنی میکند . - انقلاب اسلامی یعنی بازگشت به آن حالات اولیه مسلمین . چه در مرتبه خوانی اش باشد ، چه در کشورداری و چه در قضائی اش " .
خمینی حامی سرمایه

خمینی در دیدار با استانداران سراسر کشور طی سخنانی بطور مستقیم حمایت خود را از سرمایه داران را الوصف و مالکین بزرگ نشان داده و گفت : " سرمایه مردم مال خودشان است ، صرف کنند ، کشور را تقویت کنند و دولت هم بختیابان آنهاست " .
پناه‌دگی سیاسی

جواد منصوری معاون فرهنگی و کنسولی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی طی مصاحبه ای گفت که در ابتدای سال ۱۳۶۰ تاکنون جمعا حدود ۳۳ نفر از نمایندگان های جمهوری اسلامی در کشورهای خارج پناه‌دهنده سیاسی شده اند .
دولتی شدن بازرگانی خارجی

شورای نگهبان لایحه دولتی شدن بازرگانی خارجی را رد کرده و آنرا غیر اسلامی دانست . مهدوی کئی عضو شورای نگهبان در این باره گفت که دولت حق ندارد با دولتی کردن تجارت خارجی مالکیت مردم را لغو کرده و به صورت یک کارفرمای بزرگ درآید .

کدهای کمکهای مالی ارسال شده به

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

فراست	(فراست)	الف - ی
جواد کارش	۱۰۰۰	میثاقی
لیمونز	۲۰۰	ستاره سرخ
رنس	۳۲۰	نیوپورک
لینان	۲۰۰	غرل
لینان	۲۰۰	بهمن - هادی
لینان	۴۰۰	حمید اشرف
مورنوربه - ز	۴۰۰	استیث کالج
باریس - ع	۴۰۰	رفیق سحر
مون بوره - سپند	۱۰۰	استیث و آثر
رفقای پردو	۳۶۰	ز - ۱۰۰
رفیق اسکندر	۱۵۰۰	نیوپورک
تولوز - رفیق پ	۱۰۰۰	دالری
رفقای رنس	۴۳۶	سین جیدانی
باریس - ح	۱۰۰	نیما
باریس - ح	۳۰۰	کلمبوس
باریس - گریستان	۱۰۰	اوهابو - کلمبوس
گریستان - خ	۱۰۰	آستین
باریس - ر	۱۰۰	م - ل
باریس - ح	۲۰۰	زندانی سیاسی
جهان کتاب	۱۲۵	بلومینگتون
برنو	۵۰۰	سان دیاگو
رنس	۲۰۰	س
مون بوره	۱۰۰	پ - ۴
لیمونز	۱۰۰	پ - ۵
پلنیک	۵۰	بلومینگتون
رفیق ع	۵۰	توبان
الطریض (طلیدک)	۹۰۰۰	میثاقی
رفقای الطریض	۹۰۰۰	مبارز
آمریکا (دلار)	۸۵	ستاره سرخ
فرح	۴۰	اسکندر
بولین - ۱۳	۴۰	بیکان
مینا	۲۵	رفیق میثاقی
خلق ایران	۱۰۰	نیوپورک
استیث کالج	۵۰	با نگرنا ون
ساگرا منتو	۵۰	اسکندر
آ	۶۱	اعتصاب سیاسی
ویلز	۳۰۰	مینا بولین
پ - ۱۱۰	۱۹۰	با لالو
س	۲۰	مورگان تا ون
سین جیدانی	۱۰۰	آیندا دا
یشن روز	۱۵۲	سن
آرش	۵۰	ز - ۱۰۰
ز - ۱۰۰	۶۵	رفیق حمید
ک - ۱	۱۱۳/۲۵	آرلینگتون
پ - ۱	۸۱/۲۵	مها می
پ - ۲	۱۲۰/۲۵	فرناد
پ - ۳	۳۲/۲۵	لارنس
ترهوت	۲۰	م - د
النی	۱۰	رالی
رفیق سحر	۳۸۴۶/۲۵	لنن
یک عدد	یک عدد	لنن

زنجیر کردن بند یک عدد

ذبح اسلامی





امریکا و ...

بقیه از صفحه ۳۷

این گفتگو را عیناً به واغنگتن گزاری کردم. در پایان گزارشم متذکر عدم که این برایم مسلم شده است که برنامه‌ای را که در تلگرام نهم نوامبر پیش‌بینی کرده بودم (سازش مذهبیون و ارتش با وساطت آمریکا) درست از آب درمی‌آید. حکومت نظامی در - ما موریت خود برای استقرار نظم و قانون شکست خورده بود. سقوط شاه حتمی بود. بنابراین تصمیم گرفتم طرح خودم را که در نهم نوامبر به واغنگتن مخابره کرده بودم عملی کرده و با آیوزیسیون و نیروهای مسلح وارد مذاکره شده و به آنها کمک کنم تا به توافقی برسیم که مانع تجزیه نیروهای مسلح گردد. در مقابل این تلگرام هیچ پاسخی که مرا از علم منع کند نرسید. معذالک دو روز بعد با کمال تعجب شنیدم که ایالات متحده مجدداً حمایت خود را از شاه اعلام داشت.

روز بعد که شاه را دیدم در مورد بیماری از هاری با او صحبت کردم. شاه بیشتر در مورد جان‌نشین از هاری حرف می‌زد. تا آن زمان شاه در زمینه مذاکره با افراد گوناگون آیوزیسیون تا اندازه‌ای تن به مصالحه داده بوده اما هنوز کسی را برای پست نخست‌وزیری انتخاب نکرده بود. او در مورد یک یا دو نفر که ممکن بود مایل باشند این پست را بپذیرند صحبت کرد. یکی از این افراد بختیار بود. بختیار تحصیل کرده فرانسه و باتوقی - کلپ فرانسویهای تهران بود. ما گاهی با بختیار در تماس بودیم. او فاقد پایه توده‌ای بود و قابلیت او بعنوان یک رهبر سیاسی تقریباً هیچ بود. شاه نقاط ضعف بختیار را برایم بازگو کرد و گفت او "یکی از آن کرم‌ها" است که همیشه بهنگام مشکلات از لای چوب بیرون می‌آیند. چند روز بعد شاه بمن گفت که بختیار وظیفه تشکیل کابینه را پذیرفته است و شاه آماده است او را بعنوان نخست‌وزیر منصوب کند.

ما موریت تئودور الیوت (از فصل ۲۱ کتاب)

۱- از آنجا که هیچ بستوری مبنی بر - مخالفت با طرح مذاکره بین رهبران آیوزیسیون و رهبران نظامی بمنظور جلوگیری از برخورد انقلاب و نیروهای مسلح بمن نرسیده از طریق سفارت یک سری - فعالیت را در دستور کار قرار دادم. در مذاکره با واغنگتن توصیه کردم که مجموعه فعالیت‌های مشابهی نیز در پاریس با همکاران آیت‌اله خمینی شروع شود.

۲- میدانستم که این فعالیت‌ها از چشم سرویس‌های جاسوسی ایران مخفی نخواهد

منه‌بی معتقد بودند که لازم است به توافقی هائی برسند. افسران نظامی دریافت بودند که روحیه سربازان به حدی تحلیل رفته است که بسیاری از آنها دیگر قابل اتکا نیستند. آنها ضمناً میدانستند که بسیاری از تظاهرکنندگان فرزندان برادران نظامیان هستند. گرچه واحدهای نظامی مرتباً از شهری به شهر دیگر در حرکت بودند تا مشکل خویشاوندی بین قوای نظامی و تظاهرکنندگان در بین نباشد، ولی تخمین فرماندهان نظامی و عقیده مشاوران نظامی ما که همراه نیروهای ایرانی بودند بر این بود که وضعیت بسیار متشنج است.

... به نظرم رهبری مذهبی از جمله خود خمینی با این طرح موافقت میکردند زیرا اهداف اصلی آنها را که شامل حذف شاه، جلوگیری از خونریزی و حفظ ارتش برای استقرار نظم به نفع رژیمشان بود، دربر میگرفت. این طرح از نقطه نظر ما هم رضایت بخش بود زیرا مانع هر نوع هرج و مرج شده و یکپارچگی ایران را تأمین کرده، استقرار رهبری تندرو را غیرممکن ساخته و تسلط شوروی بر خلیج فارس را عمیقاً سدود میکرد.

۱- در پاسخ به پیشنهاد ما در مورد تماس (با آیت‌اله خمینی) در پاریس، وزارت خارجه به سفارت ما در پاریس دستور داد که ماموری را برای ملاقات با ابراهیم - یزدی مشخص کند. این ماموریت به رئیس بخش سیاسی سفارت آمریکا در پاریس، وارن زیمرمن سپرده شد. زیمرمن که بسیار حرفه‌ای بود و دستورات را بخوبی انجام میداد دو یا سه بار در یک رستوران کوچک در نزدیکی اقامتگاه آیت‌اله خمینی با یزدی ملاقات کرد. از آنجا که دستوراتی که به زیمرمن داده شده بود بسیار محدود بود و از آنجا که او با شرایط داخلی ایران آشنائی نداشت، این ملاقاتها چندان ثمر بخش نبود. در هر حال ماهیت کلی ایمن مذاکرات منعکس کننده همان نقطه نظرهای بود که ما در تهران بدان دست یافته بودیم. همکاران آیت‌اله عمیقاً در مورد چشم‌انداز برخورد با ارتش نگران بوده و مایل بودند از این برخورد جلوگیری بعمل آید. از آنجا که آنها فاقد سلاح بودند و بویژه اینکه

مانده از این رو برای احتیاط موضوع را با هوشنگ انصاری که یکی از نزدیکان شاه و رئیس شرکت ملی نفت ایران بود در میان گذاختم. به او متذکر عدم کسب مقامات ایرانی بابتی این فعالیت‌ها را امری عادی جهت حفظ منافع ملی آمریکا در نظر بگیرند. روز بعد بمن تلفن کرد و گفت موضوع را با شاه در میان گذاخته است و گفت شاه هم مسئله را درک میکند. در ضمن شاه به او گفته بود که بمن هشدار بدهد که ما مثل انگلیسی‌ها که در سال ۱۹۰۶ بعنوان پشتیبان روحانیت و حامیان قیام مشروطیت عمل کردند هرگز مسائل نشویم. به انصاری گفتم متوجه مطلب هستم و مطلب را بحال خوش می‌گذارم. در تمام گفتگوهای بعدی با شاه، او هرگز در مورد فعالیت‌های ما اظهار نگرانی نکرد و حتی در اواخر دوره حکومتش با کنجکاوی از من می‌پرسید که "از دوستانتان، ملاها چه خبر؟"

۳- برداشتهای اولیه ما مبین این بود که رهبران نظامی، نهضت آزادی و رهبران -

توطئه آمریکا ...

بقیه از صفحه ۴۸

طریق نیروهای مترقی و نشریات ضد امپریا - لیستی نظیر مجله "ضد جاسوسی" - Counter Spy بلکه بطور براه کننده و غیرمستقیم در مطبوعات امپریا لیستی نیز انعکاس یافت تا جائیکه حتی مجله نیوزویک Newsweek نیز پرده از بخشی از توطئه های دولت ریگان بر علیه نیکاراگوئه برداشته و اشاره میکند که سازمان نموده فعلی عملیات خرابکارانه در مرزهای نیکاراگوئه سفیر آمریکا در هندوراس (کشور مجاور نیکاراگوئه) جان نگروبا نته میباشد. علاوه حدود ۵۰ تن از کارمندان تمام وقت سفارت آمریکا در هندوراس که یا سمت رسمی دارند یا از - بوش های رسمی استفاده میکنند در اجرای عملیات دخالت دارند. البته مدت ها است که بین آمریکا و ارتش هندوراس در مناطق مرزی نیکاراگوئه مانورهای مشترک نظامی صورت میگرفت و تا بحال در چند مورد مزدوران و تروریست های ضد انقلابی که توسط آمریکا و ارتش هندوراس تجهیز و سازماندهی شده اند به مناطق حساس کشور نیکاراگوئه حمله کرده و تلفات جانی و مالی فراوانی ببار آورده اند بعنوان مثال در ماه جولای گذشته تأسیسات نفتی ماناگوا در نقطه کلیدی نیکاراگوئه واقع در ساحل باسیفیک توسط دو جت جنگی هندوراس بمباران شد. تا کنون ۲۵ میلیون دلار صرف مخارج نظامی مربوط به طرح های پنهانی دولت ریگان علیه نیکاراگوئه شده است. برطبق گزارشات مختلف، میا با صرف مبالغی هنگفت جهت تربیت افراد گارد ملی سابق و در اختیار گذاشتن تسلیحات بزرگ آنها جهت تدارک یک حمله نظامی خود را - آماده میکند. همچنین نمایندگان از هندوراس، نیلی، کلمبیا، ونزوئلا و آرژانتین برای برآوردن این طرح در نظر گرفته شده اند بنا به گزارش روزنامه آمریکائی "میامی هرالد" دولت ریگان حداقل یک میلیون و پانصد هزار دلار در اختیار تبعیدیه های نیکاراگوئه ای قرار داده و دست کم ۱۲۵

کارمند سازمان جاسوسی CIA در کشور هندوراس در عملیات مخفیانه برای سرنگون کردن حکومت نیکاراگوئه شرکت دارند. به کمک دولت ریگان تبعیدیه های نیکاراگوئه از طریق اداره گمرک شهر میامی (آمریکا) اسلحه قاچاق، خارج و برای اجاره خانه - های امن و پناهگاه در هندوراس از مخضات یک شرکت تقلبی چوب بری استفاده می کنند. این عوامل آمریکائی که "کنترا" خوانده میشوند گاه تا ۱۷ اردوگاه در اختیار داشتند و دو هواپیما کوچک مجهز به - دستگاه موشک انداز نیز خریداری کرده اند.



تمام این طرح های پنهان و آشکار از طرف آمریکا و حکومت های دست نشانده در آمریکا و لائین برای به شکست کشاندن - انقلاب نیکاراگوئه که الگوی خوبی برای سایر خلق های منطقه است میباشد. یک مقام رسمی آمریکا گفت "یا بایستی تن به قبول یک رژیم مارکسیست - لنینیستی در نیکاراگوئه بدهیم و یا اینکه در جهت سرنگونی این دولت حرکت کنیم". میزان خرابکاریها و تهدیدات و حملات تروریستی ارتجاع وابسته به امپریالیسم علیه نیکاراگوئه تا بحال است که از دو ماه پیش نیکاراگوئه مجبور شده است در پنج ناحیه از شمال کشور که با هندوراس همجوار است اعلام آمادگی داشته باشد. عمده عملیات خرابکارانه و حملات تروریستی در روستاهای مرزی و علیه بهقانان

و مزارع صورت میگرفت. ضد انقلابی - کرده است قبایل سرخپوست ماسکیتو را علیه دولت مرکزی نیکاراگوئه تحریک و بسیج - نماید و با حملات بی دریغ به این نواحی بخشی از سرخپوست ها را بخود ملحق کند. دولت نیکاراگوئه برای خنثی کردن این توطئه ها و مصون نگذاشتن روستائیان این نواحی از حملات ضد انقلاب مجبوره شده است که روستاهای مرزی را تخلیه و ساکنان آنها را به نواحی دیگری انتقال دهد. البته امپریالیستها در بلندگوهایی تبلیغاتی خود به این عمل دولت نیکاراگوئه بعنوان ستمی بر علیه اقلیت های قومی حمله کرده و به عوام قریبی های مذبحانهای پرداخته اند. اواسط دسامبر گذشته طی یکی از این عملیات مربوط به انتقال روستائیان مرزی به مناطق مرکزی کشور بود که در اثر خرابکاریهای سیا، هلی کوپتری که حامل تعداد زیادی کودک روستائی بود سقوط کرد و در نتیجه آن ۷۵ کودک بطرز فجیعی به هلاکت رسیدند. هلی کوپتر دیگری نیز که برای کمک به آسیب دیدگان نشتافته بود هدف آتشبارهای ضد انقلابیون واقع شد.

بدینال این جنایات فجیع امپریالیسم و فاجعه کشتار کودکان، دولت نیکاراگوئه اعلام سه روز عزای ملی کرد. مردم نیکارا - گوئه بخصوص زنان و مادران نیکاراگوئه ای طی تظاهراتی با شرکت بیش از ۵۰ هزار نفر در ماناگوا (کل جمعیت نیکاراگوئه ۴ میلیون نفر است) خشم و نفرت شدید خود را نسبت به امپریالیسم آمریکا و نیروهای ضد انقلابی وابسته به آن ابراز کرده برای مقابله با توطئه های امپریالیسم اعلام آمادگی تا پای جان نمودند.

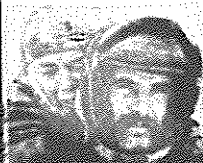
دولت نیکاراگوئه خطر حمله نظامی همه جانبه ضد انقلاب منطقه به رهبری آمریکا را به خاک نیکاراگوئه جدی اعلام کرده و - خواستار تشکیل جلسه فوق العاده کشورهای غیر متعهد برای رسیدگی به طرح ها و -

**Winner Best Film
1982 Cannes
Film Festival**

**The Official Swiss Entry
For Academy Award
As Best Foreign Film**

**One Of The Year's
10 Best Films**
NATIONAL BOARD OF REVIEW
Los Angeles Times
William Wolf, SYNDICATED COLUMBIAN
Jim Haskins, VILLAGE VOICE

**Golden Globe
Award Nomination
Best Foreign Film**



YOL



نقد فیلم :

یُل - نمایشگر دوران زنان

YOL (راه) از آن دسته فیلم‌های سی‌ما که هنر سینما را با تمام قدرت و از تمام جوانب بکار گرفته است تا زندگی توده‌ها و ستمکاران را در محیط سیاسی و اجتماعی آنها به نمایش درآورد. این فیلم که شهرت جهانی کسب کرده است برخلاف معمول محصول سینمای غرب نبوده ساخته و پرداخته هنرمندان ترک و خاصه کارگردان مرقی ترکیه Yilmaz Guney (یلماز گونی) میباشد. سینمای مرقی غرب عمدتاً با کارگردانان روشنفکر اروپائی نظیر گوستا گوراس و برتولچی معرفی شده است و بندرت فیلمی به اصالت و زیبایی فیلم یُل از سینمای کشورها تحت سلطه بیرون آمده که توجه و تحسین جهانیان را نیز جلب کرده باشد. بطوریکه جایزه نخل طلای ۱۹۸۲ فستیوال کان مشترکاً به فیلم یُل و فیلم Missing گوستا گوراس تعلق گرفت و در آمریکا نیز فیلم یُل به عنوان بهترین فیلم خارجی سال معرفی است.

یلماز گونی کارگردان و نویسنده فیلم یُل، خود هم‌ریشه‌ای برجسته فیلم‌سازی معتبر در سطح بین‌المللی و نویسنده زبردستی است اما رژیم نظامی ترکیه مانند سایر رژیم‌های ضد مردمی و وابسته آثار او را تحت عنوان "تبلیغات کمونیستی" تحت پیگرد قرار داده و نمایش فیلم‌هایش اکثراً ممنوع است. گونی در دوره حکومت‌های مختلف ترکیه بارها به زندان افتاده است و از ۱۹۷۴ به بعد به اتهام قتل یک قاضی دست‌راستی به ۲۴ سال حبس محکوم میشود. اما در اکتبر ۱۹۸۱ وقتی به او اجازه داده میشود بمناسبت عید قربان از زندان مرخصی بگیرد، از فرصت استفاده کرده از چند رژیم به یونان میگریزد و در حال حاضر در تلاش گرفتن پناهندگی

یُل یک فیلم سیاسی با قالب و مفهوم متداول آن نیست. سرتاسر فیلم از شعارها، لفاظی‌ها، نماهای سمبلیک و تجریدی و زست‌های انقلابی‌گرایانه سطحی و روشنفکرانه بدور است و سیاست را در لایه‌های زندگی روزمره مردم آمیخته در زره زره دردها و رنج‌ها و فشارها، عادات و افکار و سنن ستم‌بار فرهنگی و اجتماعی به نمایش میکند. کارگردان فیلم ابتدا بیننده را به درون فضای یک زندان دولتی میکشاند. نماهای کوتاه ولی بسیار گویائی از محیط زندان، چهره‌ها، احساسات و آرزوها و روحیات زندانیان را با مهارت به تصویر میکشند. کاراکترهای فیلم زندانی سیاسی به مفهوم متداول کلمه نیستند اما تماشاگر فیلم غیر مستقیم فرا میگیرد که هر نوع زندان و زندانی در چنین رژیم‌هایی در ارتباط با سیاست است و اساساً کل جامعه یک زندان است. دوربین پنج کاراکتر مختلف را از بین زندانیان نشان میکند. وقتی به هریک از آنها یک هفته مرخصی از زندان تعلق میگیرد، دوربین عکس العمل‌های متفاوت و درجات مختلف اشتیاق و بی‌تابی این پنج نفر را برای استفاده از هفت روز "آزادی" تعقیب میکند.

بقیه در صفحه ۱۲

سیاسی از دولت‌سوئیس است. بخشی از داستان یُل بی‌شبهات به زندگی و فرار خود او از زندان نیست. او در واقع داستان فیلم را در زندان نوشته است. گونی خود از دل یکی از روستاهای کرستان ترکیه و از خانواده‌ای کشاورز برخاسته است و از کودکی شاهد بوده است که کردها را رسماً "ترک‌های کوهستانی" مینامند و اساساً قائل به وجود مسئله‌ای بنام خلق کردن نیستند و صحبت از "خلق کرد" حرکتی خرابکارانه و خائنانک محسوب میشود بنا بر این گونی با تمام وجود و گوشت و پوست خود ستم ملی را تجربه و درک کرده است و بدلیل نیست که یکی از موفق‌ترین و پاشکوه‌ترین قسمت‌های فیلم او مربوط به کرستان و مبارزات خلق کرد در ترکیه میباشد. آنچه که فیلم یُل به نمایش میگذارد مخصوص جامعه ترکیه نیست بلکه (چنانکه خود کارگردان در ابتدای فیلم متذکر میشود) گونه‌ای از زندگی روزمره مردم محروم در کشورهای تحت سلطه در آسیا، آفریقا و ... میباشد. یُل فقط به نمایش و افشای زندان سیاسی حکومتگران نظامی ترکیه نمی‌پردازد بلکه به طرز استادانه و بی‌نظیری زندان بزرگتری را که کل جامعه را دربر گرفته، به تصویر میکشد.

یل...

بقیه از صفحه ۱۱

پس از بیرون آمدن زندانیان از پشت حصارهای زندان رسمی، زندان بزرگتر در هر صحنه از فیلم به نمایش گذاشته میشود. دیکتاتوری نظامی بر روی تمامی نهادها و اجزاء جامعه سایه افکنده است و احساس خفقان موجود در هر گوشه جامعه، با ظرافت تمام به بیننده منتقل میشود. نحوه گذران این یک هفته "آزادی" در مورد هر یک از کاراکترها، داستان فیلم یل را تشکیل میدهد. گویی بتدریج بیننده را با زوایای باریک و نهفته فرهنگ مردم آشنا میسازد و تاریک‌ترین گوشه‌های زندان افکار و عقاید و سنن ارتجاعی را برملا میسازد. زندان نامرئی که چون تار عنکبوت بر تمام حرکات، اراده و رفتار اجتماعی مردم تنیده شده است. گویی ضمن تعقیب مسیری که هر یک از کاراکترها طی میکنند و حوادثی که با آن روبرو میشوند، خصوصیات فرهنگی و اجتماعی اقشار مختلف طبقات پائین جامعه را به نمایش درمیآورد. یکی از زندانیان یک جوان محروم، بیسواد و ساده روستائی را با تمام عواطف خام و معموش، بلور کاملاً طبیعی مجسم میسازد. او کینه مشتاق تر و بی تاب تر از همه برای آزادی و گرفتن مرخصی است. همراه با قفس قناری و تنها مونس دوران زندانش به دیدار عروس هجران کشیده اش میشتابد اما در همان اولین مرحله ورود به زندان بزرگتر به دلیل گم گم کردن جواز مرخصی اش دوباره در چهار دیوار زندان ارتش به انتظار مرخصی دقیقه شماری میکند.

زندانی دوم یک خرده بورژوازی مدرن و متوسط شهری را نمایندگی میکند. در خلال نماهایی از زندگی خانوادگی او، نحوه غذا خوردن، نوع لباس و نحوه آشنائی و نامزدیش و نوع تفریحات، مثلاً موزیقی که گوش میکند و فاحشه خانه‌ای که میرود و...

مظاهر مختلف فرهنگ منطبق وارداتی این قبیل جوامع که خود تقلید ناشیانه‌ای از فرهنگ بورژوازی است به چشم میخورد. در عین حال کمکی این فرهنگ وارداتی با فرهنگ دیرین فتودالی بطرز جالبی دوگانگی فرهنگی موجود در جوامع تحت سلطه را به نمایش درمیآورد. لی تعقیب مسیر دو زندانی دیگر، جسدال عواطف و تمایلات و نیازهای انسانی با زندان افکار و سنن ارتجاعی بطرز بی نظیر و هنرمندانه‌ای به نمایش درآمده است. و بالاخره زندانی پنجم یک جوان کرد روستائی را مجسم میکند که پس از سالها بازگشت به روستای خود بسا حلاوت و شبیخون‌های مداوم نظامیان علییه چریک‌های کرد مواجه میشود و پس از مشاهده زندگی زجرآور و ستم حاکم بر مردمش به جای بازگشت به زندان به جنبش خلق کرد کرد میپیوندد.

همچنانکه گویی خود میگوید، فیلم یل درباره "مردهائی است که میتوانند با شما مت باشند و قهرمانانیکه میتوانند قیام کنند، اما در عین حال نسبت به زنان برخوردی بسیار ارتجاعی داشته باشند".

زنان در زندان سنن

از تم‌های اصلی آن فرهنگی که گویی به مثابه یک زندان به تصویر میکشد، شوونیسم جنسی (پدرسالاری) و شوونیسم ملی و تعصبات منهبی و ارزش‌ها و سنن فتودالی است. شکنجه بارترین و تدرک‌ترین حصارهای این زندان از آن زنان محروم جامعه است. اکثر صحنه‌های فیلم و در مورد تمام کاراکترها نمودارهایی هر چند کوتاه از اقشار مختلف زنان و ستم‌کشدگی آنها ارائه میشود و بنا براینکه هر کدام از زنان متعلق به چه قشری باشند شکل و میزان ستم‌کشدگی تفاوت میکند. فیلم نشان میدهد که زن خرده بورژوازی متوسط شهری که بقول معروف تنش به تن فرنگی‌ها خورده بالنبه

از "آزادیهای" برخوردار است و مثلاً در انتخاب همسرش خود فعالیت میکند. اما در عین حال در صحنه‌های مربوط به "گرفتار شدن زن با نامزدی در حالیکه دوزن چادر بسر از خانواده دختر، لحظه به لحظه در حال تعقیب و کنترل آنها هستند، و صحبت‌ها و قرار و مدارهایی که در مورد زندگی مشترک آینده تماماً از طرف مرد دیکته میشود و زن اطاعت میکند، و بدنبال آن در صحنه مربوط به همان مرد که بر چیران محدودیت موجود در روابط خود با نامزدش به فاحشه خانه میرود و... محدودیت‌ها و سلطه مردسالاری بر این قشر از زنان نیز به طرز طنزگونه‌ای به نمایش درمیآید. در مورد سایر موارد مربوط به ستم‌کشدگی زن، نماهای صریح تر و مشخص تری ارائه میشود از جمله در مورد زنان محبوس در زندان فاحشه خانه‌ای زن که به دلیل تعصبات و کینه جوئی‌های پدر و برادرانش از دیدار همسر و پدر فرزندان محروم میشود و پس از پیوستن مخفیانه به همسر مورد علاقه‌اش، توسط برادر خود بسا گلوله‌ای به قتل میرسد و نماهایی از فقر و محرومیت و ستم‌کشدگی زنان کرده و بالاخره صحنه‌های مربوط به ماجرای زنی که به خاطریکبار مباردت به عملی که برای مردان همان جامعه قاعده‌ای است قابل تحمل یعنی بیوفائی به همسر، همانند حیوانی به مدت هشت ماه توسط پدرش در طویله به غل و زنجیر کشیده میشود. فقط با دادن نان و آب این زن را آنقدر زنده نگاه میدارند تا شوهرش از زندان بازگشته و خود بتواند طبق سنتن زن بیوفایش را با دست خود به کیفر رسانده و بکشد.

نمایش ستم‌کشدگی زن از تم‌های قوی و مشخص بارز فیلم یل است که بندرت میتوان در فیلم‌های سینمای خاورمیانه و کشورهای مسلمان نشین مشاهده نمود.

دیدگاهها

آنتونیو گرامشی تجربه شوراهای کارخانه ایتالیا

آنتونیو گرامشی در سال ۱۸۹۱ در ایتالیا متولد شد. او یکی از رهبران برجسته حزب کمونیست ایتالیا بود. در خلال سالهای (۲۰-۱۹۱۶) او بعنوان هنرمند و نویسنده اصلی مجله‌های «کامون» و «پروپاگاندای کار» و «دیتور روزنامه» و «دین فو» را بنیان گذاشت. او در سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۶ بعد از پایه‌گذاری حزب کمونیست ایتالیا و در مذاکرات کمیته بین‌المللی کمونیست با آن حرکت داشت. آنتونیو گرامشی در سال ۱۹۲۶ متشکله و زندانی شد که تمام عمرش را در زندان گذراند. کتاب «مبادی دایست‌های زندان» حاصل کارهای تئوریک و در زندان است. او برخلاف لینن به نقض آگاه عناصر خارج از کارگران بها نداد.

اصلاحات ارضی بودند . موجی از اعتصابات پایه‌های اقتصادی جامعه، ایتالیا را بلزده در آورده و رنگ خطری برای کارخانه داران و طبقات متوسط بوده آنها را به سوی اتحاد با موسولینی و جنبه فاشیستی که در سال ۱۹۲۲ و ۲۳ به قدرت رسیده بود سوق می‌داد . میستم لیبرال پارلمانی نیز قادر به مقابله با بحران نبود و بنظر می‌رسید که کشاکش و فروزختگی اوضاع موقعیت را برای انقلاب هر چه مهیا تر می‌سازد .

در این میان شهر تورین (Torino) یکی از صنعتی‌ترین شهرهای شمال ایتالیا بشمار میرفت که تعداد کارگران‌اش در بخش اتوموبیل سازی (اتوموبیل فیات) در زمان جنگ بنحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته بود . در این شهر صنعتی از یکسو از اواخر سالهای ۱۹۱۷ تظاهرات وسیع ضد جنگ و اعتراضات قهرآمیز بر علیه کبشو در مواد غذایی منجر به دستگیری معترضین و نیز ترسیت کارهای رهبری بسیاری در جنبش کارگری گردید . و از سوی دیگر بدلیل وجود اتحادیه‌های کارگری قترتند و کمیته‌های کارگری که سابقه شان به سالهای پیش از جنگ باز می‌گشت مبارزات کارگری با قوت جریان داشت .

در چنین زمینه‌ای ایده « سازندگی می‌شورای کارخانه در شهر تورین در سلسله مقالاتی که در نشریه «مظم نو» (L'Ordine Nuovo) منتشر میشد توسط گرامشی فرمولبندی شد (۲۱-۱۹۱۹) . از دیدگاه گرامشی شورای کارخانه مدل یک دولت پروتاری در بطن جامعه سرمایه داری بشمار میرفت . چندان شگفت آور نبود که در تابستان و پائیز ۱۹۱۹ یعنی در اوج ناآرامی در

از آنجائی که درک‌های متفاوت از تئوری و عملکرد شوراهای وجود دارند برآنیم که در این مقاله تئوری شورای کارخانه را بصحی که در نوشته‌های آنتونیو گرامشی تبیین شده است در ارتباط با پراتیک آنها در ایتالیا مورد بررسی قرار دهیم. ضرورت دارد که پیرویه تشکیل و عملکرد شوراهای جمهوری شوراهای نیز بطور جداگانه بررسی شود. این مقاله به هیچ وجه در حد و بررسی عمق جانبی و وجه تئوریک فلسفه گرامشی نبوده و به مقایسه نظری وی فقط تا حدی که بتواند به درک مسئله اصلی یعنی تئوری و عملکرد شورای کارخانه در ایتالیا کمک کند اشاره می‌گردد.

الف: "زمینه تاریخی". پایان جنگ جهانی اول و از هم گسیختگی اقتصادی اجتماعی و سیاسی ناشی از آن بحران پر دامنه‌ای را به همراه آورد که در نهایت به بقدرت رسیدن موسولینی و فاشیست‌ها در ایتالیا در پایان سال ۱۹۲۲ منتهی شد. در فاصله این سالهای بحرانی دو سال ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ سالهای سرخی بودند که از دیدگاه جنبش کارگری ایتالیا می‌توانستند نوید بخش پیروزی یک انقلاب سوسیالیستی در ایتالیا باشند. عضویت در اتحادیه‌های کارگری از ۲۵۰ هزار نفر در سال ۱۹۱۸ به ۲ میلیون نفر در سال ۱۹۲۰ افزایش یافته بود و مبارزه بین کارگران و کارفرمایان در تمامی بخش‌های صنعتی ایتالیا به نقطه اوج خود رسیده بود. در عین حال دهقانان و کارگران بدون زمین روستایی نیز شروع به سازماندهی سیاسی خود کرده خواهان



پیشبرد يك پروسه انقلابی طولانی به شكلی كه نشانه گرامشی در نظر داشت باقی نگذاشته بودند. در چنین شرایطی یعنی شرایطی كه برای انقلاب كونیستها به هیچوجه قادر به كنترل و تأیید نبوده و امکان وقوع انقلاب را نیز باورند داشتند^۱ و آیین در حالی بود كه از زمان انقلابی بسیار مدد میگرفتند. در چنین شرایطی كارخانه داران به سرعت خود را در كنفرانسوینهای صنعتی متشكل ساخته و برای مقابله با جنبش كارگری و جلب حمایت حكومت خود را مهیا می ساختند. بطوریکه در بهار ۱۹۲۰ كارخانه داران تورین از برسمیت شناختن شوراهای كارخانه خودداری كردند كه این خود منجر به اعتصابات كارگران شد و حكومت برای مقابله با آنان نیروی بسیاری به تورین اعزام داشت. شكست اعتصابات كارگری تورین در آوریل ۱۹۲۰ با اشغال كارخانهها توسط كارگران در نقاط صنعتی در سراسر دنبال شد در بخشهایی از جنوب ایتالیا نیز دهقانان بی زمین زمین ها را با اشغال خود درآوردند. پس از طی سه هفته كه هر آن انتظار وقوع انقلاب میرفت و بدنهای كاهش قابل ملاحظه ارزش لیره در مبادلات بین المللی بالاخره بین كارخانه داران و اتحادیه های كارگری سازش برقرار گردید. سازشی كه حكومت نقش اصلی را در آن ایفا نمود. در واقع اشغال كارخانهها كه در تئوری گرامشی میبایست نقطه فراز يك موج انقلابی باشد به قدرتی كمتر محدود اتحادیه های كارگری رفرمیستی منجر شد. اشغال كارخانهها و قله رت شوراهای كارخانه منجر به قدرت گرفتن كارگران نشد. از دیدگاه گرامشی سال ۱۹۲۰ در واقع با حسیست و یا شناخته یافتن جریا كه كارخانه داران تورین جنبش شورای كارخانه را شكستند. بیش از آنكه به دلایل چنین شكست و محدودیت های تئوری شورای كارخانه گرامشی ببرد ازیم به فرمولبندی وی در باره "ویژگیها و فونكسیون شورای كارخانه اشاره می كنیم.

ب: ویژگیها و وظائف شورای كارخانه در تئوری گرامشی: ایده "شورای كارخانه" گرامشی عواره دوگانگی بین شوراهای بعنوان يك پروسه طولانی برای آموزش و كسب اتحاد كارگران بمنظور قدرت گیری را از یكسو و شوراهای بمفهوم ابزار عمل فوری و مستقیم انقلابی را منعكس میسازند. در عر حال از دیدگاه گرامشی "دولت سوسیالیستی از قبل بالقوه در نهاد های اجتماعی ویژه طبقه كارگر استثمار شده وجود دارد".^۲ از اینرو گرامشی "شورای كارخانه را مدلی از دولت پرولتری" توصیف میكرد كه كارگران را در تصمیم گیریها شركت داده و از بورژوازی مستقر در جنبش اتحادیه های كارگری جلوگیری مینماید. از دیدگاه گرامشی "این سازمان جدید همچنان كه رشد و گسترش می یابد باید خود را با وفاقهایی كه بشكلی سلسله مراتبی سازمان می یابند آشنا ساخته و به چهار جوب يك دولت سوسیالیستی و ابزار دیکتاتوری پرولتاریا در زمینه تولید صنعتی مجهز شود".^۳

گرامشی "شورای كارخانه را نفی قانونیت صنعتی" می شمرد. از دیدگاه وی "شوراهای طبقه كارگر را بصوی كسب قدرت صنعتی رهنمون ساخته و در واقع او را به منجم قدرت صنعتی بدل میسازند. حال آنكه اتحادیه

كارگری نماینده قانونیت بوده و هدف آنستكه اعضایش را به احترام به چنین قانونیتی وادارد".^۴ گرامشی در نظر داشت كه نهادهایی مشابه سوویت های روسیه ایجاد نماید (در استراتژی بلشویكها سوویتها ساختهای "قدرت دوگانه" در اوج انقلاب در سال ۱۹۱۷ بشمار میگرفتند). در فاصله سالهای ۱۹۱۹-۲۱ گرامشی در مقالاتش درباره "شورای كارخانه بیشترین تأکید را به اصل كنترل در تولید می گذشت. در واقع شوراهای نهاد های بودند كه از دل كیوسوینهای داخلی سنتی (Internal Councils) كه نهاد های انتخابی اتحادیه های كارگری بشمار میگرفتند. تكامل یافته بودند. ۱. در فرمولبندی گرامشی چنین فرض میشد كه تمامی كارگران در يك كارخانه به عضویت شورای كارخانه در خواهند آمد. از سوی دیگر فرضیه اصلی تئوری گرامشی درباره شورای كارخانه نه بر قبضه قدرت بلكه بر يك پروسه تكامل انقلابی استوار بود كه در مبارزات جاری كارگران ریشه داشته و به ایجاد يك "شبكة كیفیتا" جدید "نهاد های پرولتاریائی" منجر خواهد شد. ۲. بنابر نوشته های گرامشی "وجود شوراهای كارگران مسئولیت مستقیم برای تولید را عرضه کرده آنان را بصوی پیشبرد كار و ایجاد يك دیسیپلین آگاهانه و داوطلبانه

هدایت مینماید".^۵ با بر خلیل كارل بگوته گرامشی با مددگیری از برخی اندیشه های آناركو سندیكالیستی بر این عقیده بود كه يك سوسیالیسم اصولی باید دو انقلاب را در بر گیرد. يك انقلاب برای نابودی دولت بورژوازی و دیگری برای تغییر اقتصاد سرمایه داری. گرامشی این دو را بدون پیوند و جدا از هم فرض میگرد و معتقد بود كه در این انقلاب دوم است كه در چهار جوب كارخانه هسته يك دولت جدید گزارده میشود. ساختمان سوسیالیستی (یعنی شوراهای واسطه ای خواهند بود كه از طریق آنها تمامیت هستی پرولتاریائی، اقتصاد پرولتاریائی، سیاست فرهنگ و روابط اجتماعی و آگاهی عمومی پرولتاریا بتدریج تغییر و تكامل خواهد یافت.^۶

حفظ کرده و ۳) در پروسه تكامل خود میبایست دولت سوسیالیستی آینده را كه از قبل بصورت بالقوه در نهاد های زندگی اجتماعی ویژه طبقه كارگر وجود دارند" می ریزی نمایند.^۷ ما نیز بر آنیم كه سه ویژگی فوق از مهمترین امتیازات شوراهای شعار میرونده ولی كارگر آنسها را نمی توان ارزیابی كرد مگر بر زمینه "دیدگاه گرامشی درباره رابطه حزب طبقه كارگر و شوراهای استراتژی و تائید انقلاب و نیز ارتباط بین جنبش كارگری و جنبش توده ای".

چ- محدودیت های تئوری شورای كارخانه گرامشی: پس از شكست تجربه شوراهای در شهر تورین گرامشی خود در نوشته های "یادداشت های زندان" (۱۹۲۹) به بررسی مجدد این تئوری پرداخت. یکی از مهمترین اشكالات فرمولبندی گرامشی از شوراهای كارخانه آن بود كه بدام نوعی "تولید گرائی" (Productionism) افتاده بود. یعنی: تعمیم سیستم تولیدی كارخانه های سرمایه داری به دولت جدید پرولتری. گرامشی ساخت و مضمون تكامل سرمایه داری را در نظر نگرفته تنها به این اصل بسنده مینمود كه طبقه كارگر باید این ساخت را كنترل و در آن شركت نماید. این خود منجر به پذیرش بدون قید و شرط "مدیریت علمی" بنحویكه در تئوری فردريك تیلولر آمریکائی (تیلریسم Taylorism) درباره سازمان كار در كارخانه فرمولبندی گردیده بود شد. گرامشی بعدها خود این "تولید گرائی" كه نوعی كپی برداری از تكامل جامعه سرمایه داری است را مورد انتقاد قرار داد.

در واقع عملکرد شوراهای در تورین (كارخانجات اتومبیل سازی فیات) شكنج كننده این شكل بودند كه كارگران فاقد مهارت برای مدیریت صنعتی می باشند از همه مهمترین متنگ اصلی عبارت بود از تلاش برای كپی اندازی يك كارخانه خاص به شیوه سوسیالیستی كار حائیکه اقتصاد بطور کلی و نیز دولت در تحت كنترل بورژوازی اداره میشد.

یکی از مهمترین اشكالات فرمولبندی گرامشی از شوراهای كارخانه آن بود كه بدام نوعی "تولید گرائی" (Productionism) افتاده بود. یعنی: تعمیم سیستم تولیدی كارخانه های سرمایه داری بعنوان اساس و پایه يك دولت جدید پرولتری گرامشی ساخت و مضمون تكامل سرمایه داری را در نظر نگرفته تنها به این اصل بسنده مینمود كه طبقه كارگر باید این ساخت را كنترل و در آن شركت نماید. این خود منجر به پذیرش بدون قید و شرط "مدیریت علمی" بنحویكه در تئوری فردريك تیلولر آمریکائی (تیلریسم Taylorism) درباره سازمان كار در كارخانه فرمولبندی گردیده بود شد. گرامشی بعدها خود این "تولید گرائی" كه نوعی كپی برداری از تكامل جامعه سرمایه داری است را مورد انتقاد قرار داد.

از سوی دیگر مقالات گرامشی درباره شورای كارخانه تأکید بسیاری بر اهمیت كنترل تولید بعنوان مقدمه و پیش شرط مبارزه برای قبضه قدرت سیاسی داشت و نه برعكس یکی دیگر از محدودیتها و دلایل بقیه در صفحه ۳۰

بطور خلاصه از نظر سیاسی شورای كارخانه در تئوری گرامشی سه هدف را دنبال میگردند. ۱) این شوراهای با كرایش بورژوازی شدن و واكویینسیسم (Reactionism) مقابله کرده ۲) خود مختاری و هویت جنبش انقلابی را در برابر نهادهای بورژوازی

شورش در میامی

نمایشی از فقر و نژاد پرستی در آمریکا

نیویورک، واشنگتن، لندن و ... اتفاق افتاده است.

امروز زمانیکه خلق‌های تحت‌ستم برای رهایی از چنگال حکومت سرمایه و گذار به سوسیالیسم مبارزه میکنند. امپریالیست نه تنها در کشورهای تحت‌سلطه از طریق دیکتاتوری‌های دست‌نشانده خود بلکه در داخل کشور خود نیز سیاست نژاد پرستانه و تبعیض علیه رنگین‌پوستان را اعمال میکنند. تنها در کشور امپریالیستی آمریکا میلیون‌ها رنگین‌پوست از سیاست نژاد پرستانه موجود رنج می‌برند. امروز که سیستم جهانی سرمایه داری به دلیل ماهیت استثمارگرانه خود، درگیر بحران عمیق اقتصادی است، بیشترین فشار به فقیرترین بخش جامعه از جمله اکثریت سیاهپوستان مقیم در این کشور اعمال میشود. درصد بیکاری در بین سیاهان به خصوص زنان و نوجوانان بالاترین سطح را داراست. آیا با توجه به فشاریکه نه تنها از جنبه اقتصادی توسط سرمایه داران بلکه از لحاظ سیاسی و فرهنگی توسط پلیس فاشیست آنها به سیاهپوستان در آمریکا اعمال میشود نتایجی جز شورش‌های مقطعی برای تخلیه فشارها باقی میماند؟ تا شکل‌گیری یک سازمان طبقاتی منجم که نه تنها دربرگیرنده سیاهپوستان زحمتکشان بلکه کلیه زحمتکشان در اینگونه کشورها باشد انرژی و توان سیاهپوستان فقیر و تحت فشار بصورت شورش‌های مقطعی و منطقه‌ای و عمدتاً بی هدف و بی نتیجه هدر میرود. تنها راه برای دستیابی به خواست‌های آنها ایجاد تشکیلات طبقاتی و مبارز است.

برای تماس با جهان با آدرس زیر مکاتبه نمایید:

جهان JAHAN
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

منازه ها و فروشگاه‌های مواد غذایی منطقه Overtown (فلوریدا) را به غارت بردند. (این حرکت خود نشان بارزی از نیاز مردم به مواد غذایی بوده است) چند موتورسوار سفیدپوست متجاوز توسط جوانان سیاه پوست کتک‌خوردند و گروهی از آنان با سنگ و اسلحه به اتوموبیل‌ها در اتوبان حمله بردند.

این خشم اگرچه با جرقه مرگ‌جسوان سیاهپوست شعله‌ور شد لکن بدبختی و فقر عوام در این منطقه در طول سال‌های نژاد

فقر اهالی شهر Overtown و نژاد پرستی پلیس میامی باعث یک شورش سه روزه در میامی شد. ظاهراً شروع این شورش بخاطر قتل جوان سیاهپوست ۲۰ ساله‌ای بنام جانسون توسط پلیس نژاد پرست میامی بوده است. بدن‌بال مرگ این جوان حدود ۱۰۰۰۰ نفر از سیاهان مردم تحت‌ستم شهر دست به شورش وسیعی زدند. چیزی شبیه به این حادثه در ماه می دو سال پیش نیز اتفاق افتاد که در آن زمان نیز پلیس مردم سیاهپوستی را تا حد مرگ کتک زد و به قتل رساند. بعد از آن



دنبال آن شورش نشین این روز شهر را به آتش کشید. در این حادثه چندین تن از اهالی همراه با چهار روزنامه نگار سیاه‌پوست به بوسیله چند ماشین و ۴ هلی‌کوپتر به رگبار آتش بسته شدند. یک منازه دار نیز به وسیله باتوم بطرز فجیعی مضروب گردید و شخصی دیگر بوسیله سگ‌های پلیس به شدت مجروح گشت. دو مرد سیاهپوست دیگر نیز از ناحیه پا و ۲۴ تن دیگر از سایر نقاط بدن زخمی شدند.

مردم محل بدن‌بال این فجایع بیرحمانه شورش اخیر شهر میامی نه برای اولین بار و نه برای آخرین بار اتفاق افتاده است. این شورش که نتیجه مستقیم سیاست‌های نژاد پرستانه امپریالیسم است، یادآور شورش‌های متعددی است که بارها در شهرهای بزرگ کشورهای امپریالیستی مثل

مرکب کتک زد و به قتل رساند. بعد از آن

هواداران مجاهدین ...

بقیه از صفحه ۴۸
کاسبکارانه و تغییر سیاست هواداران سازمان مجاهدین خلق در رابطه با اتحاد عمل برای مبارزه ضد رژیم جمهوری اسلامی است. ما عین گزارشهای مربوطه را در زیر نقل میکنیم.

گیسن - (آلمان)

بدنبال خبر مربوط به تصمیم اوباشان حزب الهی برای برگزاری يك تظاهرات در روز شنبه ۸۲/۱۲/۱۸ در شهر گیسن و جمع آوری قداره بندمای خود از شهرهای دیگر سازمانها و افراد مترقی شهر گیسن تصمیم به برگزاری يك آکسیون افناگیری از جنایات رژیم در مقابل تجمع لمین های حزب الهی میگيرند. بمنظور مقابله با توطئه های اوباشان حزب الهی تمام نیروها و افراد مترقی ست به ایجاد يك کمیته مشترک زده تا بتوانند بنحو موثرتری توطئه های ارتجاع را خنثی نمایند. اما انجمن دانشجویان مسلمان هوادار سازمان مجاهدین خلق ناگهان ست به تغییر سیاست زده و از شرکت سازمانی در کمیته خودداری میکنند. در اطلاعیه مربوط به برگزاری آکسیون میخوانیم:

" در این لحظه نماینده انجمن دانشجویان مسلمان هوادار سازمان مجاهدین که تا بحال هیچگونه اظهار نظری در موارد بحث شده از طریق رفقا نکرده بود مدعی شد که این دوستان بطور سازمانی در ایمن آکسیون شرکت نمیکند و فقط بصورت فردی از اهداف این تشکیلات بصورت فیزیکی در تظاهرات شرکت خواهند کرد."

در قسمت دیگری از اطلاعیه آمده است: " با برداشتی که ما از صحبت نماینده انجمن و شناخت قبلی که از حرکات این سازمان در رابطه با سایر نیروها داریم به این نتیجه رسیدیم این دوستان تصمیم دارند که از نیروی سازمانها و افراد دموکرات که هیچگونه وابستگی یا نزدیکی با سازمان مجاهدین ندارند ولی حاضر به

همکاری در يك مجموعه دموکراتیک میباشند سو استفاده نموده و در روز شنبه با بالا بردن عکس رجوی و یا حرکاتیکه از این دوستان مکررا در شهرهای دیگر هم دیده شده آنطور افکار عمومی جلوه دهند که برگزارکننده این آکسیون هستند و پرچمدار مبارزات دانشجویی خارج از کشور و از این طریق کاسبکارانه برای شورای ملی مقاومت تبلیغ نمایند. این اولین بار نیست که این دوستان با اینگونه حرکات انحصار طلبانه از همکاری با سایرین خودداری میکنند ولی بنظر ما این نوع اعمال غیر اصولی است. نتیجتا سایر نیروها تصمیم به برگزاری آکسیون بدون شرکت انجمن دانشجویان مسلمان را گرفتند.

در زیر گزارش کوتاهی از چگونگی برگزاری تظاهرات آورده میشود: پلیس آلمان با آگاهی، محل تظاهرات دانشجویان مترقی را در منلی دور از مرکز شهر و خلوت تعیین کرده بود که دانشجویان مترقی از آنجا تیکه قصد جلوگیری از انجام تظاهرات مرتجعین را داشتند تظاهرات را تا وسط مسیر ادامه داده و در آنجا با خواندن بیانیها که محل نامناسبی جهت تظاهرات از طرف پلیس به آنها داده شده تظاهرات خود را همانجا قطع کرده و برای جلوگیری از تظاهرات تروریستهای جمهوری اسلامی و افناگری جنایات رژیم در سطح شهر شروع به پخش اعلامیه می نمایند. سازمان دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در گیسن و شهرها و اطراف همراه با دیگر نیروها و افراد مترقی با پلاکارتهای و آمادگی قبلی به محل تظاهرات فائزها رفته ولی کسی را آنجا نمی یابند که این امر خود نشانه وحشت عناصر مرتجع رژیم جمهوری اسلامی از افکار عمومی و همبستگی نیروهای انقلابی و مترقی در افنا جنایات رژیم جمهوری اسلامی در سطح بین المللی میباشد. تظاهرات نیروهای مترقی فقط از شهرهای نزدیک و در سطح منطقه ای برنامه

ریزی شده بود و با وجود اینکه مدت کوتاهی بود که از برگزاری تظاهرات رژیم جمهوری اسلامی باخبر شده بودند ولی بعزت نفرت عمیق آنها به رژیم و آمادگی و عکرا العمل سریع افراد و سازمانهای مترقی دانشجویی در مقابله و افنا هرچه بیشتر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی توانست مشت محکمی را برهان تروریستهای خمینی بکوبد و آنها را در برگزاری هرگونه تبلیغات ضد خلقی شان در مجامع عمومی مثل همیشه با شک روبرو ساخته و بی آبرویی هرچه بیشتر آنها به نمایش گذاشته شود.

لوس آنجلس - (آمریکا)

بدنبال برگزاری آکسیون موفق رفیق سعید سلطانپور در هند و دستگیری تعدادی از دانشجویان مبارز در بمبئی که شرح آن در همین شماره، ویژه نامه آکسیون رفیق سعید آمده است تظاهراتی در شهر لوس آنجلس - کالیفرنیا برگزار شد. این



صحنه ای از تظاهرات لوس آنجلس

تظاهرات در روز سه شنبه چهارم دسامبر ۸۲ در مقابل دفتر هواپیمائی هند و با شرکت هواداران چند نیروی سیاسی و تعداد چندی از هموطنان آگاه و متعهد ایرانی انجام گرفت. تظاهرات با خواست آزادی رفقای دستگیر شده در هند که با خطر اخراج از کشور روبرو بودند، بنا به دعوت سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و با همت سازمانهای دانشجویی دیگر، علیرغم وقت محدود برای تدارك این



هواداران مجاهدین ...

چرا هواداران سازمان مجاهدین خلق "وین - اطریش" حاضر به اتحاد عمل با نیروهای مترقی نیستند؟

وین - (اطریش)

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی همچون تمامی رژیمهای مرتجع دیگر راه نجات خود را در مقابل مبارزات رعدیایان توده‌های زحمتکش که بر بستر مظللات اقتصادی - سیاسی در جهان است - متنها در فریب و سرکوب هرچه بیشتر اعدای دسته‌جمعی، تجاوز، ترور و به‌بند کشیدن هزاران هزار مبارز جستجو میکند. رژیم ناتوان از پاسخگویی به میرمترین خواسته‌های بحق توده‌های مردم همچون رژیم شاه با تکیه بر اوباشان پاسدار و کمیته‌های ساوا و ارتش تلاش میکند تا مگر بتواند چند صیاحی به عسکر ننگین خویش بیشتر ادامه دهد. بر بستر همین سیاست ترور و اختناق با به‌بند کشیدن بیش از ۵۰ هزار تن از مبارزین و انقلابیون راه آزادی و استقلال میهن و اعلام ۲۰ هزار تن از بهترین فرزندان این مرزوبوم، قتل عام مردم بی‌دفاع کرستان و ترکمن صحرا و ... در تلاش تثبیت پایه‌های لیزان کاخ پوسیده اش میباشد. رژیم در بی‌بستن دانشگاهها در ایران و گسترش اختناق و ترور طرح تهاجم به نیروهای مبارز و دانشجویان مترقی خارج از کشور را امروزه در دستور کار خویش قرار داده است. و از همین رو دسته‌هایی از اوباشان چاقو و تدارک را تحت پوشش کارمندان سفارتخانه‌ها و دانشجوی به خارج گسیل داشته تا مگر بتوانند هر حرکت آزادیخواهانه را در هر گوشه‌ای از جهان سرکوب کنند. عبادت ۲ تن از دانشجویان انقلابی در فیلیپین و هند توسط جانیان چاقو و با همکاری توده‌ای‌ها و اکثریتی‌های خائن برهم گدگون جنبش دانشجویی را برافراشته و متحد مسوومی آنها با جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان میهن - مان مستحکمتر نموده است. پویای‌های رژیم به خوابگاه‌های دانشجویان، میتینگها و تجمعی دانشجویی در کشورهای مختلف اروپایی و آمریکا بهترین معنای لزوم هرچه فزاینده‌تر کردن و نزدیکی وحدت عمل نیروهای مترقی میباشد. بر حول این مسئله محض حرکت نکردن هر یک از نیروهای مترقی در آکسپوهای دفاعی بر علیه چاقو و رژیم چهل و وابستگی بی‌انگیز درک نادرست آنان از مبارزه خدا می‌باید.

جنبش دانشجویی خارج از کشور با حرکت از سنتهای مبارزاتی خود که همواره سنگر مبارزه بر علیه رژیمهای مرتجع و وابسته به امپریالیسم شاه و غمینی بوده و از همین رو از جانب هواداران سازمانهای مترقی ایرانی در شهر وین برای هر چه فزاینده‌تر کردن صفوف مبارزاتی خویش علیه سیاست ترور و وحشت رژیم جمهوری اسلامی در بین دانشجویان ایرانی با هدف مقابله و غنشی کردن سایش چاقو و قدرت نهستی برگزار کردند و از کلیه نیروهای مترقی برای شرکت در این نشست دعوت بعمل آمد. این عمل دفاعی در مرحله اول خود که منجر به قرار چاقو و حزب الله از سالن نهارخوری دانشگاه شده، با موفقیت بپایان رسید. (خرج کامل این درگیری در اعلامیه‌ای جداگانه به اطلاع مکان رسیده است.)

هواداران سازمان مجاهدین خلق در وین با تحریم این اتحاد عمل و حرکت مبارزاتی در آن شرکت نکردند و حتی هیچ استدلالی در رابطه با تحریم و حرکت نکردنشان در این حرکت دفاعی علیه چاقو و قدرت سفارت ایران نداده‌اند.

آنها عالمی که باعث جلوگیری از حرکت هواداران مجاهدین خلق در این برنامه دفاعی بر علیه چاقو و رژیم جمهوری اسلامی بوده، انصار طلبی آنان در امر مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم و درک انحرافی آنان از همکاری مشترک با نیروهای مترقی از یکطرف و هتافت نادرست آنان از نیروهای ابرسیون از جانب دیگر نیست؟

هواداران مجاهدین بر پایه چه اصول مبارزاتی و کدامین استدلال این برنامه عمل مشترک نیروهای هوادار سازمانهای انقلابی و دموکراتیک را تحریم کرده‌اند؟

آنها هواداران مجاهدین خلق معتقدند که افتا گری و مبارزه قاطع و بهیگر بر علیه چاقو و قدرت و قراره بندگان سفارت جمهوری اسلامی که تاکنون باعث عبادت ۲ تن از مبارزین جنبش دانشجویی و مجروح شدن بسیاری از دانشجویان مترقی در کشورهای مختلف شده، حرکتی است نادرست؟ بدیده ما تحریم و حرکت نکردن در برنامه‌های مبارزاتی و همکاریهای عملی با نیروهای انقلابی و مترقی دانشجویی در مبارزه قاطع و بهیگر بر علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و امپریالیسم و اوباشان و زائده‌های هواداران حرکتی در خدمت تضعیف جنبش دانشجویی و مبارزه خدا می‌باید.

سرنگون باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

سرنگون باد امپریالیسم جهانی

هرگز بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

برقرار باد اتحاد نیروهای انقلابی و خدا می‌باید

اتحاد مبارزه - امروز

• هواداران حزب دمکرات کرستان ایران - اطریش

• هواداران چریکهای فدایی خلق ایران

• سازمان توده انقلابی دانشجویان و دانش آموزان (ستاد)

• انجمن مصلمین و دانشجویان ایرانی مقیم وین

هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۹۸۳/۱۲/۱۶

آکسیون با موفقیت برگزار گردید. نکته قابل توجه توافق کلیه سازمانهای دانشجویی برای شرکت در این آکسیون بود که بر خلاف همیشه بدون اتلاف وقت عملی گردید.

اما نکته قابل تاسف پیشمانیدن انجمن دانشجویان مسلمان هوادار مجاهدین خلق برای شرکت در تظاهرات علیه رژیم ثوابت علیه خود برای شرکت بود. ظاهراً دوستان هوادار مجاهدین بعد از اینکه موافقت میکنند در تظاهرات شرکت کنند یا دشمن می‌آید که گویا در شان "دولت" نیست که علیه یک دولت دیگر دست به اعتراض بزنند اگرچه چندی پیش پلیس فاشیست همین دولت (هند) نظاره گر شهادت دو دانشجوی انقلابی توسط قداره بندگان اعزامی رژیم جمهوری -

اسلامی بوده است. ظاهراً دوستان مجاهد ما، برایشان مهم نبود که ممکن است در صورت عدم اعتراض به دستگیری ۲۱ دانشجوی مترقی در هند، دولت هند آنها را به رژیم جمهوری اسلامی تحویل دهد و به بهانه اینکه با - تظاهرات علیه سیاستهای دولت ارتجاعی باعث گرایش بیشتر آن بطرف رژیم -

خمینی میشوند از شرکت در تظاهرات تفره رفتند! جالب اینکه این دوستان ما را در اینجا و آنجا ما را متهم به بی عملی نیز می - کنند. در یک کلام دوستان مجاهد ما، امروز دیگر شیوه‌های دیپلماتیک و مراجعه از بالا را به شیوه‌های اعتراضی ترجیح میدهند. اگر این سیاست که چیزی جز رفرمیسم ناپ و زد و بند با این دولت و آن دولت ارتجاعی برای "معقول" جلوه دادن خود نیست، بخواهد ادامه یابد سرنوشت سازمان مجاهدین تاسف بارتر خواهد شد.

